



Turbulent Regional Dynamics and the Return of Donald Trump: Strategic Options for Iran in the Future Geopolitical Landscape of West Asia

Farshid Farhadi

Research Fellow, Department of Regional Studies, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran.

Email: 2f.farhadi@ihu.ac.ir

 0000-0003-2500-1934

Abstract

The United States' withdrawal from the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA) in 2018 and the initiation of the "maximum pressure" campaign by the Trump administration marked a critical turning point in the geopolitical confrontation with Iran. This strategy aimed to weaken Iran's deterrence and change its regional behavior through a framework of direct and proxy threats. In response, Iran sought to maintain the deterrence balance and prevent full-scale war by relying on asymmetric warfare. Consequently, the two countries entered a state of "deterrence at the boiling point"—a precarious situation where the constant threat of war was tempered by deterrence-based calculations.

With the Biden administration's arrival, signs of diplomacy emerged, but pressure on Iran continued, leading to interactions that can be characterized as "gray diplomacy."

Recent developments, such as the October 7 Hamas-led attack on Israel, the attack on the Iranian consulate, and Tehran's military response, have propelled the region into a phase of "active instability." Targeted assassinations and localized clashes have further heightened tensions. Now, with the fall of Damascus and the possible return of Donald Trump in 2025, the region has entered a new stage defined by a "power vacuum" and strategic uncertainty. This situation raises crucial questions about potential future scenarios concerning Iran—ranging from the continuation of pressure to multilayered containment.

Given the ongoing deterrence at a geopolitical boiling point and the prospect of Donald Trump's return to power in the United States, what plausible scenarios might arise in Washington's approach toward Iran? Should we expect a continuation of coercive geopolitics, a refinement of diplomacy within a gray zone environment, or a shift toward multilayered containment through a blend of symmetric and asymmetric threats? This research is exploratory and does not present any hypotheses or preliminary

conjectures. It adopts a futuristic approach by employing the Global Business Network (GBN) technique to develop scenarios related to the research topic and address the research questions.

The study employs the GBN technique to model the future landscape through the interplay of seven geopolitical drivers and fourteen strategic uncertainties. The combination of these elements resulted in 128 potential scenarios. Among them, 102 scenarios were deemed internally inconsistent. For example, a scenario in which former President Trump simultaneously pursues a military strike against Iran's nuclear facilities while successful negotiations are underway is logically incoherent and implausible.

In contrast, 26 scenarios exhibited internal consistency. However, in line with Trump's publicly stated policy regarding Iran's nuclear program—often framed as a binary choice between “deal or bombardment”—two scenarios emerged as analytically significant: (1) the Zero-Sum Game: Return to the Gamble of Deterrence and (2) the Multi-Level Game: Deception Behind the Smile. In the Zero-Sum Game scenario, negotiations between Iran and the United States ultimately fail, resulting in Trump choosing to launch a military strike on Iran's nuclear infrastructure. Conversely, the Multi-Level Game scenario envisions a successful diplomatic outcome, where both countries de-escalate tensions and avoid direct military confrontation.

Upon analyzing both scenarios, the Multi-Level Game was identified as the Nash equilibrium of the strategic interaction. Despite the ongoing availability of military options, the escalating costs for both primary actors make this approach increasingly irrational, thereby favoring a non-zero-sum outcome based on compromise.

However, Israel, acting as a third-party disruptor, could potentially disturb this balance by providing misleading intelligence to U.S. decision-makers. Such interference may lead the United States toward a riskier path, reviving the Zero-Sum Game dynamics and undermining the equilibrium.

Keywords: Donald Trump, Iran, Nuclear program, JCPOA.

E-ISSN: 2588-6541 / Center for Strategic Research / Quarterly of Foreign Relations

Quarterly of Foreign Relations is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



doi 10.22034/fr.2025.499967.1626

پویایی‌های منطقه‌ای متلاطم و بازگشت دونالد ترامپ: گزینه‌های استراتژیک برای ایران در چشم‌انداز آینده ژئوپلیتیک غرب آسیا

فرشید فرهادی

دکتری مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا، پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، تهران، ایران.
Email: 2f.farhadi@ihu.ac.ir  0000-0003-2500-1934

چکیده

با بازگشت دونالد ترامپ یکی از مهمترین معماها پیرامون او این است که دستورکارهای آینده او در ارتباط با ایران کدامند؟ پاسخ به پرسش پژوهش به سناریوها سپرده شد. سناریونویسی در این پژوهش برپایه روش جی‌بی‌ان بود. در این تحقیق دو دسته جامعه آماری اسنادی و خبرگی بکار گرفته شد. حجم جامعه نمونه نیز بر پایه جدول مورگان محاسبه شد. روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی بود. ابزار گردآوری اطلاعات نیز مصاحبه، فیش‌برداری و پرسشنامه بود. روش نمونه‌گیری پژوهش هدفمند و از نوع انباشتی بود. در نهایت تحلیل داده‌ها نیز بر پایه ماتریس اهمیت عدم قطعیت بود. بر پایه منطق روش جی‌بی‌ان دو سناریوی «بازی مجموع صفر: بازگشت به قمار بازدارندگی» و «بازی چندسطحی: فریب با لبخند» از برابند تقاطع عدم قطعیت‌های کلیدی ارائه و داستان هر کدام نیز تدوین شد. از برابند تجزیه و تحلیل شواهد ارائه شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که سناریوی بازی چندسطحی: فریب با لبخند به نظر دستور کار محتمل ترامپ در ارتباط با ایران در چهار سال آینده باشد. البته، در صورتی که نقش منفی و آشوب‌ساز رژیم صهیونیستی در تغییر محاسبات ترامپ غالب نشود.

کلیدواژه‌ها: دونالد ترامپ، ایران، برنامه اتمی، برجام

مقدمه و بیان مسئله

خروج ایالات متحده از برجام در سال ۲۰۱۸ و آغاز کارزار «فشار حداکثری» از سوی دولت ترامپ، آغازگر بازگشت به «ژئوپلیتیک اجبار»^۱ علیه جمهوری اسلامی ایران بود؛ راهبردی که در دل منطقه موسوم به «کمر بند آشوب»^۲ با هدف بازمهندسی رفتار منطقه‌ای ایران، ایجاد اختلال در قدرت بازدارندگی و تسلیم‌سازی تهران در برابر نظم مطلوب واشینگتن تعریف شد. در این دوره واشینگتن کوشید با انتقال تنش به مرزهای آشکار در قالب تهدیدات دریایی، حملات نیابتی و عملیات نظامی مستقیم نظیر ترور شهید سلیمانی، «هندسه تهدید»^۳ جدیدی را بر منطقه تحمیل کند؛ اما در مقابل، ایران نیز با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نبرد نامتقارن، از قاعده‌مندی تقابل برای تثبیت بازدارندگی بهره گرفت و مانع از تسری بحران به سطح جنگ تمام‌عبار شد.

در فضای درهم‌شکسته پس از خروج آمریکا از برجام، دو کشور وارد مرحله‌ای از «بازدارندگی در نقطه جوش ژئوپلیتیکی»^۴ شدند؛ حالتی که در آن، فشارهای متراکم، امکان انفجار منطقه‌ای را در هر لحظه ایجاد می‌کرد؛ اما بازدارندگی تاکتیکی و تمایل به پرهیز از هزینه‌های استراتژیک، موازنه را حفظ می‌کرد. در این دوره، منطقه شاهد ظهور نوعی از «بازدارندگی تهدیدمحور»^۵ بود که هم‌زمان با نمایش قدرت، متکی به محاسبه واکنش متقابل بود. نمونه‌های این وضعیت را می‌توان در ساقط کردن پهپاد آمریکایی، حمله به پایگاه عین‌الاسد و پرهیز از عبور از آستانه جنگ فراگیر مشاهده کرد.

روی کار آمدن دولت بایدن با خود بارقه‌هایی از بازسازی دیپلماسی را به همراه داشت؛ با این حال، سیاست فشار همچنان به شکل نرم‌تر اما مداوم ادامه یافت و وضعیت به شکل «دیپلماسی معلق در فضای خاکستری»^۶ درآمد. یعنی نوعی تعامل نیمه‌دیپلماتیک بدون عبور از مرز توافق یا جنگ که منجر به «سردرگمی راهبردی»^۷ در میدان عمل شد. در این بستر، ساختار قدرت در واشینگتن دچار شکاف در هدف‌گذاری شد و ایران نیز با تصویب قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها» وارد مرحله‌ای از افزایش «ضرب ابهام هسته‌ای» به مثابه اهرم ژئوپلیتیکی شد.

1. Geopolitics of Coercion

2. Arc of Instability / Belt of Chaos

3. Geometry of Threat

4. Deterrence at the Geopolitical Boiling Point

5. Deterrence by Threat

6. Suspended Diplomacy in the Grey Zone

7. Strategic ambiguity

به تدریج، شاخص‌های عبور از نقطه گریز هسته‌ای، نگرانی‌ها را از بازگشت به بحران‌های سطح بالا افزایش داد.

«عملیات طوفان الاقصی» در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نقطه تحول راهبردی در میدان ژئوپلیتیکی غرب آسیا بود؛ نه تنها به واسطه ابعاد درگیری بلکه از حیث جابه‌جایی مرزهای جغرافیای تهدید. در این وضعیت، منطقه وارد فاز «ژئوپلیتیک بی‌ثباتی فعال»^۱ شد؛ یعنی حالتی که در آن، هر بحران موضعی قابلیت دارد به درگیری تمام‌منطقه‌ای تبدیل شود. رژیم صهیونیستی با توسعه دامنه حملات به لبنان، سوریه و یمن، درصدد اعمال شوک راهبردی به محور مقاومت بود؛ اما این راهبرد با افزایش هزینه و تداوم جنگ فرسایشی، به بن‌بست عملیاتی ختم شد. غزه و جنوب لبنان به دو کانون عمده و بی‌سابقه فروپاشی انسانی و زیرساختی تبدیل شدند و منطقه وارد فاز هم‌پوشانی بحران‌ها گشت.

حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در دمشق در آوریل ۲۰۲۴، قاعده دیرپای «جنگ در سایه»^۲ را در هم شکست. پاسخ ایران در قالب عملیات «وعده صادق ۱ و ۲» و موشک‌باران سرزمین‌های اشغالی، نشانه‌ای از انتقال بازی به سطح «بازدارندگی پاسخ‌محور»^۳ بود؛ وضعیتی که به تعبیر «توماس شلینگ»، یک «دیپلماسی تهدید» محسوب می‌شود که در آن، کنش نظامی ابزاری برای ارسال سیگنال بازدارنده است. ترور اسماعیل هنیه در تهران و حمله محدود و حساب شده به پایگاه‌های نظامی ایران در دو مرحله نیز منجر به تعمیق مارپیچ تنش متقارن شد؛ فضایی که نه تنها ظرفیت مدیریت بحران را کاهش داد، بلکه معادله تهدید را به ورطه بی‌ثباتی فزاینده کشاند.

در شرایطی که نشانه‌هایی از مهار نسبی تنش‌ها میان حزب‌الله و رژیم صهیونیستی ظاهر شده بود، سقوط دمشق و حذف بشار اسد توسط تحریرالشام، نشانگر فروریزش دولت مرکزی در یکی از گره‌های ژئوپلیتیکی حساس غرب آسیا بود. این تحولات، ساختار شکننده امنیت منطقه‌ای را وارد مرحله «خلأ قدرت فعال»^۴ کرد. درست در چنین نقطه عطفی، بازگشت ترامپ به قدرت در ژانویه ۲۰۲۵، مانند ورود یک بازیگر رادیکال به سیستمی ناپایدار و آشوبناک عمل کرد. حال، با حضور مجدد معمار اصلی ژئوپلیتیک اجبار، منطقه وارد فاز جدیدی از عدم قطعیت راهبردی شده است؛ جایی که سناریوهای درگیری، تهدید، مهار و شاید بازدارندگی، هم‌زمان و متضاد در حال

1. Active Geopolitical Instability

2. Shadow War

3. Retaliatory Deterrence / Deterrence by Punishment

4. Active Power Vacuum

شکل‌گیری‌اند. متأثر از چنین شرایطی با ظهور عدم قطعیت‌های مختلف متعاقب آن معماهای پیچیده‌ای نیز در سازه کنترل نظم منطقه شکل گرفته است. به‌طور خاص در ارتباط با ایران این معما شکل گرفته است که در شرایط تداوم بازدارندگی در نقطه‌جوش ژئوپلیتیکی، بازگشت دونالد ترامپ به رأس معادلات ساخت قدرت در ایالات متحده، چه سناریوهای ممکن را در قبال رویکرد این کشور نسبت به ایران فعال می‌سازد؟ آیا باید انتظار استمرار ژئوپلیتیک اجبار، بازمهندسی دیپلماسی در فضای خاکستری، یا چرخش به‌سوی مهار چندلایه از طریق هندسه تهدیدات متقارن و نامتقارن را داشت؟ این پژوهش به دنبال غلبه بر این عدم قطعیت‌ها در ارتباط با ایران در قالب سناریوهای مختلف است.

۱. پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع پژوهش، آثار مختلفی با رویکردهای متفاوت وجود دارد. جیمز لیندسی در مقاله خود تحت عنوان «انتقال ۲۰۲۵: دونالد ترامپ در مورد ایران چه خواهد کرد؟» به بررسی احتمالات سیاست خارجی ترامپ در صورت بازگشت به قدرت می‌پردازد. او با بهره‌گیری از روش دلفی، به این جمع‌بندی می‌رسد که ترامپ احتمالاً به سیاست فشار حداکثری بازمی‌گردد. با این حال، هدف اصلی او نه تغییر رژیم بلکه وادارسازی ایران به محدود کردن برنامه‌های موشکی، هسته‌ای و کاهش حمایت از محور مقاومت است (Lindsay, 2023).

داریل کیمبال در مقاله «سیاست شکست‌خورده ترامپ درباره ایران» از روش توصیفی-تحلیلی بهره می‌برد تا کارآمدی این سیاست را ارزیابی کند. او منتقد این رویکرد است و آن را ناکارآمد و زیان‌بار برای منافع ایالات متحده می‌داند (Kimball, 2022).

کیمبرلی نازارت در اثر خود با عنوان «سیاست ترامپ در قبال ایران» و با روش دلفی، سیاست ترامپ را ترکیبی از تحریم‌های شدید و دیپلماسی اجباری توصیف می‌کند. او می‌گوید راهبرد ترامپ بر تحت فشار گذاشتن اقتصادی ایران و سپس کشاندن آن به مذاکره استوار بود (Nazareth, 2021).

علی امیدی در «سیاست فشار حداکثری و دیپلماسی ترامپ» با روش توصیفی-تحلیلی اهداف آمریکا را بررسی می‌کند. به باور او، هدف اصلی ایجاد یک ایران «عادی» و بدون چالش برای منافع آمریکا بود، نه الزاماً تغییر رژیم. دیپلماسی ترامپ بیشتر ماهیت کنترلی داشت تا تقابلی (Omidi, 2020).

حسین مسعودنیا و همکارانش در پژوهش «تحلیل عوامل مؤثر بر سیاست خارجی ترامپ علیه ایران» با روش تحلیلی-توصیفی به نقش عوامل داخلی مانند شخصیت ترامپ، نهادهای حکومتی، اتاق‌های فکر و نفوذ لابی صهیونیستی اشاره دارند (Masoudnia et al., 2024).

با وجود تحلیل‌های مختلف، موضوع سیاست آینده ترامپ و به تعبیری دستور کارهای او در قبال ایران در چهار سال آینده همچنان در ابهام است. این پژوهش با توجه به یافته‌های پیشین و تحولات اخیر منطقه، به دنبال شناسایی سناریوهای محتمل در این خصوص خواهد بود.

۲. روش‌شناسی پژوهش

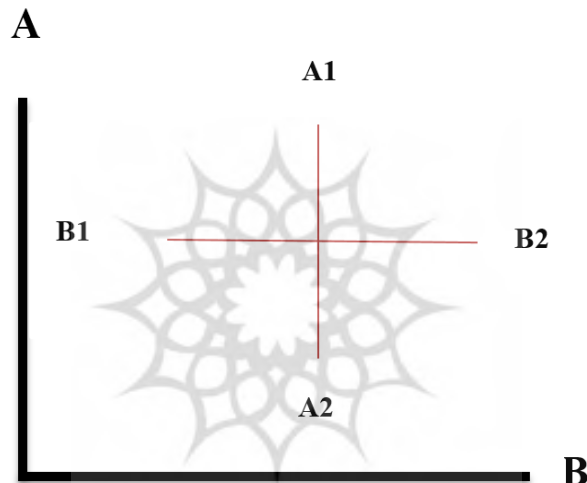
انسان همواره به درک آینده علاقه‌مند بوده است (Bell, 2003, p. 27; Andersson, 1973, p. 306). این گرایش فطری، پایه‌گذار علم آینده‌پژوهی شد (Slaughter & Hines, 2020, p. 19; Gidley, 2017, p. 37). برخلاف تصور عمومی، آینده‌پژوهی بر حدس و گمان صرف متکی نیست (Slaughter & Hines, 2020, p. 19). بلکه با روش‌های علمی و تجربی، امکان پیش‌بینی‌های قابل اعتماد را فراهم می‌کند (Gidley, 2017, p. 39).

ریشه‌های نظری آینده‌پژوهی علمی به عصر روشنگری و اندیشه‌هایی چون بیکن و نیوتن بازمی‌گردد (Hester, 2021, p. 178; Heike, 2019, pp. 120-121). با این وجود آینده‌پژوهی به‌مثابه حوزه‌ای ساختاریافته، در قرن بیستم شکل گرفت (Bishop & Hines, 2012, p. 6). ویلیام اکبرن از نخستین کسانی بود که از روش‌های علمی در این حوزه بهره برد (Rohrbeck, 2011, p. 29; Hiltunen, 2008, p. 249). پیشرفت عمده‌ای در دهه ۱۹۷۰ با پروژه سناریونویسی پیر واک در شرکت شل رخ داد (Petersen, 1999, p. 11; Matsumi & Solove, 2023, p. 58). این پروژه توانست بحران نفت را پیش‌بینی کرده و آینده‌پژوهی را به ابزاری برای تصمیم‌سازی بدل کند (Bell, 2003, p. 29; Inayatullah, 2013, p. 121; Bell, 1996, p. 76).

در یک نگاه کلی، روش‌هایی نظیر تحلیل روند، دلفی، سناریونویسی، شبیه‌سازی و مدل‌سازی در حوزه آینده‌پژوهی مطرح هستند (Glenn & Gordon, 2003, p. 179; Chermack, 2011, p. 76; Lindgren & Bandhold, 2003, p. 87; Poli, 2024, p. 12). افزون بر آن، تحلیل ساختاری، تحلیل اثرات متقابل و پیش‌نمایی نیز رایج‌اند (Sardar, 2014, p. 90; Gidley, 2017, p. 96; Slaughter, 1996, p. 10; Bishop & Hines, 2007, p. 61).

در این پژوهش، از مدل «جی.بی.ان»^۱ پیتر شوارتز استفاده شده است (Martelli, 2014, p. 128; Poli, 2024, p. 117). شوارتز در کتاب «هنر دورنگری»،^۲ هشت گام سناریونویسی این مدل را توضیح داده است (Ringland, 1998, pp. 23, 25; Schwartz, 1991, pp. 10-14). در این پژوهش در ادامه این هشت گام تشریح و سناریونویسی نیز بر پایه آن‌ها عملیاتی می‌شود. بر اساس این تکنیک از تقاطع دو پیشران کلیدی و دو عدم قطعیت کلیدی چهار سناریو در انتها مطابق با نمودار ۱ شکل خواهد گرفت.

نمودار ۱: ماتریس چهار سناریوی روش جی.بی.ان بر اساس تقاطع عدم قطعیت‌ها



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
منبع: نویسنده
رتال جامع علوم انسانی

با این وجود، اما شوارتز تأکید دارد که سناریونویسی فرایندی انعطاف‌پذیر است و برخلاف تصور رایج، همیشه به چهار سناریو ختم نمی‌شود، بلکه بسته به شرایط، می‌تواند تنها یک یا بیش از سه باشد (Schwartz, 1996, p. 29; Ringland, 1998, pp. 99-100).

1. Global Business Network (GBN)
2. The Art of the Long View

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۳-۱. شناخت موضوع و تصمیم اصلی

هدف پژوهش ارائه تصویری از دستور کارهای چهار سال آینده دونالد ترامپ در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران است. این هدف در پاسخ به این پرسش است که دستور کارهای آینده ترامپ در ارتباط با ایران کدامند؟ پژوهش از نظر مکانی متمرکز بر ایران و تحولات در سازه محیطی و به‌طور خاص سیستم کنترل نظم در ژئوپلیتیک غرب آسیا است. از نظر زمانی نیز پژوهش متمرکز بر بازه زمانی ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۹ میلادی است.

۳-۲. شناسایی نیروهای بنیادین در سازه محیطی سیستم

در این مرحله پس از جمع‌آوری داده‌ها به طریق اسنادی و متعاقب آن میدانی در قالب مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان عوامل زیر شناسایی شدند. این عوامل عناصر بنیادینی هستند که پیشران‌ها به‌عنوان نیروهای سازنده آینده تحت تأثیر آن‌ها قرار دارند.

۳-۲-۱. چهارچوب شخصیتی دونالد ترامپ

شخصیت دونالد ترامپ، بر اساس تحلیل روان‌شناسی سیاسی، نشان‌دهنده ترکیبی از ویژگی‌های برون‌گرایی بالا، سلطه‌طلبی، رقابت‌جویی، بی‌اعتمادی و اعتماد به نفس افراطی است (Fortunato et al., 2018, p. 12). این ویژگی‌ها با شاخص‌های شخصیت اقتدارگرا و تمایل به رهبری تهاجمی هم‌راستا هستند (Nai, Coma et al., 2019, pp. 610-612).

تحسین آشکار ترامپ از رهبران اقتدارگرا مانند پوتین و شی جین‌پینگ، ناشی از هم‌ذات‌پنداری او با سبک رهبری سلطه‌محور است (Immelman & Griebie, 2020, p. 28). چنین پیوندهایی در روان‌شناسی سیاسی، به‌عنوان بازتاب مکانیسم «تشخیص تشابه شخصیتی» در تحلیل قدرت تلقی می‌شود (Winter, 2010, p. 458).

عنصر کلیدی در تصمیم‌گیری‌های ترامپ، تمایل به اقدامات پرخطر در شرایط فشار ادراکی است که نمونه بارز آن صدور فرمان ترور سردار سلیمانی بود (McAdams, 2021, p. 2; Azizi, 2020, p. 10). این تصمیم‌گیری‌ها بر پایه درک تهدید حاد و سوگیری‌های شناختی در قضاوت درباره هزینه-فایده صورت می‌گیرد (Herrmann, 2003).

663 p. او همچنین با اتکا به رهبری قاطعانه، کشورهای عربی را وادار به پیوستن به پیمان ابراهیم کرد، بیت‌المقدس را به‌عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی به رسمیت شناخت، از شهرک‌سازی‌ها حمایت و با رسمیت‌بخشی به الحاق جولان، سیاست «بازدارندگی تهاجمی» را در پیش گرفت (Goldsmith & Moen, 2024, p. 14).

حتی پیش از آغاز دوره دوم، ترامپ پیشنهاد خرید گرینلند را مطرح کرد و درباره کانادا و پاناما نیز موضوعی سلطه‌طلبانه اتخاذ نمود که بیانگر طرح‌واره شناختی مبتنی بر گسترش نفوذ سرزمینی است (Bandow, 2025, p. 4).

در مجموع، چهارچوب شخصیتی ترامپ، ترکیبی از سبک رهبری غیرقابل پیش‌بینی و میل افراطی به سلطه است. در نتیجه، محتمل است با بازگشت به قدرت مجدد او، شاهد اقدامات غیرمنتظره دیگری، به‌ویژه درباره ایران، باشیم (Dyson, 2009, p. 92).

۳-۲-۲. وضعیت پایگاه حزبی دونالد ترامپ در کنگره و سنا

وضعیت پایگاه حزبی رئیس‌جمهور در کنگره و سنا از متغیرهای کلیدی در میزان قدرت مانور او در سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده محسوب می‌شود (Javits, 1970, p. 42; Douville, 2009, p. 81; Masters, 2017, p. 105). به‌طور منطقی رئیس‌جمهوری که از اکثریت حزبی در کنگره و سنا برخوردار باشد، در پیگیری سیاست‌ها و مقابله با مخالفت‌ها توان بیشتری دارد (Smeltz, 2023, p. 58; Chivvis et al., 2024, p. 92). در دوران او، جمهوری‌خواهان کنترل کنگره و سنا را در دست داشتند و این امر مانعی جدی بر سر راه اجرای برجام بود (Sherman, 2018, p. 190).

برجام طبق قانون آمریکا یک «توافق اجرایی» محسوب می‌شد و نه یک معاهده، لذا نیاز به تأیید دو سوم سنا نداشت (Kerr et al., 2021, p. 10). با این حال، جمهوری‌خواهان با ارائه لایحه «بازبینی توافق هسته‌ای ایران ۲۰۱۵» تلاش کردند روند را کنترل کنند. این لایحه با رأی قاطع ۹۸ سناتور تصویب شد (Congressional Research Service & Cotta-Ramusino, 2020, p. 37). او، با نام نیز از حق وتوی خود صرف نظر کرد (Katzman, 2020, p. 37). هرچند برجام به اجرا درآمد؛ اما عدم تصویب رسمی آن در کنگره و عدم طرح آن در سنا موجب شد پشتوانه قانونی لازم را نداشته باشد (Congressional Research Service, 2024, p. 44).

همین خلأ قانونی در ادامه دست ترامپ را برای خروج از برجام باز گذاشت (Robinson, 2023, p. 66). اکنون نیز اگر ترامپ بخواهد به توافقی جدید با ایران دست

یابد وضعیت پایگاه حزبی او در کنگره و سنا نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. با توجه به اکثریت جمهوری‌خواهان در هر دو نهاد، قدرت مانور ترامپ در این مسیر تقویت شده و احتمال عبور از چالش‌های قانونی افزایش یافته است (Chivvis et al., 2024, p. 95).

۳-۲-۳. کم و کیف حلقه پیرامونی ترامپ

تجربه دولت اول ترامپ نشان می‌دهد که او به حلقه‌ای محدود از افراد وفادار و کاملاً مطیع اعتماد دارد. او تنها از چنین افرادی حرف‌شنوی دارد و تا حدودی تحت تأثیرشان قرار می‌گیرد (Chetcuti, 2024, p. 88). ترامپ از بروکراسی گریزان است و علاقه‌ای به اندیشکده‌ها یا نهادهای مشورتی ندارد. برای نمونه، جرارد کوشنر داماد ترامپ، در دوره نخست نقشی کلیدی در هدایت سیاست‌های خاورمیانه‌ای ایفا کرد (Sims, 2019, p. 131). در کابینه دوم دونالد ترامپ، دو جناح اصلی با رویکردهای متفاوت نسبت به ایران شکل گرفته‌اند. جناح نخست، به رهبری جی‌دی ونس و با حضور چهره‌هایی مانند استیو ویتکاف، پیت هگست و تاکر کارلسون، بر راه‌حل‌های دیپلماتیک تأکید دارند. این گروه معتقدند که آمریکا باید برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز مناقشه آماده برخی مصالحه‌ها باشد (Axios, 2025, para. 4).

در مقابل، جناح دوم به رهبری مایک والتز و حمایت چهره‌هایی نظیر مارکو رابینو، لیندزی گراهام و مارک دوبروویتز، خواهان رویکردی تهاجمی هستند. این گروه در هم‌سویی کامل با رژیم صهیونیستی بر این باور هستند که ایران در موضع ضعف قرار دارد و باید وادار به برچیدن برنامه هسته‌ای شود، حتی اگر نیازمند اقدام نظامی باشد (Axios, 2025, para. 6).

چنین ترکیبی از گرایش‌های متضاد، می‌تواند به شکل قابل توجهی سیاست‌های ترامپ در برابر ایران را شکل دهد. آرایش این دو جناح، نقشی تعیین‌کننده در مسیر آینده سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران ایفا خواهد کرد (Reuters, 2025, para. 3).

۴-۲-۳. موقعیت لابی‌های ضد ایرانی

مهم‌ترین لابی ضد ایرانی در ساخت داخلی سیاسی آمریکا، «کمیته روابط عمومی آمریکا - رژیم صهیونیستی»^۱ معروف به «آپیک» است (Mearsheimer & Walt, 2008: p.).

1. American Israel Public Affairs Committee(AIPAC)

87). این کمیته بزرگ‌ترین و قدرتمندترین لابی در ساخت سیاسی آمریکا محسوب می‌شود که سالانه با میلیون‌ها دلار هزینه نقش مهمی در جهت‌دهی به سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا در جهت منافع رژیم صهیونیستی دارد (Aishah, 2020: p. 12). مرکز ثقل فعالیت‌های این لابی قدرتمند، شکل‌دهی به سیاست‌های ضد ایرانی در ساخت تصمیم‌گیری سیستم سیاسی آمریکا برمی‌گردد. در چهار سال آینده نیز احتمالاً به روال سابق این کمیته به‌طور فعال در جهت ضدیت با ایران تلاش خواهد کرد.

۳-۲-۵. تهاجم رژیم صهیونیستی به محور مقاومت

نکته مهم دیگر تغییر ژئوپلیتیک خاورمیانه و تشدید پویایی‌های متلاطم منطقه در پی حمله حماس به رژیم صهیونیستی است (Cohen, 2024, p. 15). منطقه همانند دیگی جوشان در آستانه تنش‌های گسترده و نبردی تمام‌عیار قرار دارد (Zanotti & Sharp, 2024, p. 9).

بازی ژئوپلیتیکی ایران و رژیم صهیونیستی از سایه خارج شده و بیش از هر زمانی در آستانه نبردی تمام‌عیار قرار دارند (Hamzawy, 2024, p. 22). فشار اسد سقوط کرده و در لبنان، یمن و غزه محور مقاومت تحت حملات مداوم و گسترده رژیم صهیونیستی قرار دارند (Byman, 2024, p. 33).

شرایطی که این محور ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری قدرتمند منطقه را در سازه محیطی سیستم کنترل نظم منطقه تا حد زیادی تحت فشار ساختاری بی‌سابقه‌ای قرار داده است (Reisinezhad, 2024, p. 41). درست در میانه چنین شرایطی، دونالد ترامپ به کاخ سفید برگشته است. سیاست ترامپ نسبت به این تحولات نیروی مهمی است که دستور کارهای او در ارتباط با ایران در چهار سال آینده را شکل خواهد داد.

۳-۳. شناسایی پیشران‌ها

برای شناسایی پیشران‌های تأثیرگذار در قالب پرسش‌نامه به قضاوت خبرگان رجوع شد. مبنای قضاوت خبرگان مورد نظر بر پایه این پرسش بود: با توجه به تجارب شخصی، همچنین مطالعات خود در حوزه آمریکا، نیروهای پیشران تأثیرگذار بر سناریوهای آینده دونالد ترامپ در ارتباط با ایران کدامند؟

جدول ۱: پیشران‌ها

مهار برنامه اتمی
کارزار فشار حداکثری
سازوکار اسنپ‌بک
گزینه‌های سیاسی اقدام
تیم امنیتی ضد ایرانی
مهار نفوذ منطقه‌ای
خواسته‌های امنیتی رژیم صهیونیستی
سرنوشت مذاکرات

باید گفت تمام نیروهای کلیدی به یک اندازه بر ساخت آینده تأثیرگذار نیستند. برخی محرک کلیدی سازنده آینده هستند. اما کدام پیشران‌ها دارای چنین ویژگی هستند؟ به‌طور کلی نیروهایی برای ساخت سناریوها برای ما واجد اهمیت هستند که دارای دو شرط «اهمیت» و «عدم قطعیت» بالا باشند.

۳-۴. تحلیل و طبقه‌بندی پیشران‌ها بر اساس دو متغیر اهمیت و عدم

قطعیت

برای شناسایی پیشران‌های تأثیرگذار دوباره در قالب پرسش‌نامه به قضاوت خبرگان رجوع کردیم. مبنای قضاوت خبرگان نیز بر پایه پرسش‌های زیر بود:

۱. میزان اهمیت هر یک از این متغیرها در ارتباط با ساخت سناریوهای آینده ترامپ در قبال ایران در چهار سال آینده را به چه میزان می‌دانید؟
۲. همچنین میزان عدم قطعیت آن‌ها به چه میزان است؟

در نهایت پیشران‌ها بر پایه دو سنجه میزان اهمیت و عدم قطعیت در قالب پرسش‌نامه به قضاوت جامعه آماری خبرگان پژوهش قرار گرفت. نتایج حاصل از نظرات خبرگان در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲: تحلیل و طبقه‌بندی پیشران‌ها بر اساس دو متغیر اهمیت و عدم قطعیت

پیشران‌ها	میزان اهمیت	میزان عدم قطعیت
مهار برنامه اتمی	۵	۴/۵۷
کارزار فشار حداکثری	۴/۵	۱/۸۶
سازوکار اسنپ‌بک	۴/۴۲	۴/۷۸
گزینه‌های سیاسی اقدام	۴/۸۵	۵
تیم امنیتی ضد ایرانی	۴	۴
مهار نفوذ منطقه‌ای	۴/۴	۳/۹۲
خواسته‌های امنیتی رژیم صهیونیستی	۵	۴/۸
سرنوشت مذاکرات	۵	۴/۹

۳-۴-۱. تحلیل نتایج و انتخاب پیشران‌های کلیدی

بر اساس نتایج مهار برنامه اتمی، سازوکار اسنپ‌بک، گزینه‌های سیاسی اقدام، تیم امنیتی ضد ایرانی، خواسته‌های امنیتی رژیم صهیونیستی، سرنوشت مذاکرات و مهار نفوذ منطقه‌ای دارای اهمیت و عدم قطعیت زیادی هستند. به نظر با توجه به پویایی‌های منطقه و تشدید تنش‌ها ابهامات گسترده‌ای پیرامون الگوی رفتاری آمریکا در قبال ایران در چهار سال آینده شکل گرفته است.

نمودار ۲: موقعیت پیشران‌ها بر پایه ماتریس اهمیت عدم قطعیت



منبع: نویسنده

۳-۴-۲. شناسایی عدم قطعیت‌های کلیدی

بعد از پایش پیشران‌ها بر اساس دو مؤلفه اهمیت و عدم قطعیت، حال نوبت به شناسایی عدم قطعیت‌های کلیدی است. چرا که سناریوها از ترکیب پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های کلیدی ساخته می‌شوند. حال عدم قطعیت‌های کلیدی پژوهش و یا به تعبیری حدس‌های احتمالی غیرقابل محاسبه پیشران‌های کلیدی پژوهش کدامند؟ بر پایه پاسخ به این پرسش، مطابق با الگوریتم ذیل عمل شد.

❖ مقابله با برنامه اتمی

دستور کار ترامپ برای مقابله با برنامه اتمی ایران به چه صورت خواهد بود؟

❖ مهار نفوذ منطقه‌ای

در ارتباط با مهار نفوذ منطقه‌ای ایران، ترامپ چه مسیری را در پیش خواهد گرفت؟

❖ سازوکار اسنپ‌بک

سیاست ترامپ در ارتباط با سازوکار اسنپ‌بک به چه صورت خواهد بود؟

❖ گزینه‌های سیاسی اقدام

گزینه‌های سیاسی اقدام ترامپ در ارتباط با ایران به چه صورت خواهد بود؟

❖ تیم امنیتی ضد ایرانی

تأثیرگذاری تیم امنیتی ضد ایرانی ترامپ بر سیاست‌های آمریکا در ارتباط با ایران به چه صورت خواهد بود؟

❖ خواسته‌های امنیتی رژیم صهیونیستی

رویکرد ترامپ نسبت به خواسته‌های امنیتی رژیم صهیونیستی در ارتباط با ایران به چه صورت خواهد بود؟

❖ سرنوشت مذاکرات

سرنوشت مذاکرات جاری میان ایران و آمریکا به چه صورت خواهد بود؟

جدول ۳: شناسایی عدم قطعیت‌های کلیدی (احتمالات مختلف هر کدام از پیشران‌ها)

مقابله با برنامه اتمی	حمله نظامی
	معامله
مهار نفوذ منطقه‌ای	تقویت ائتلاف‌ها و اتحادهای ضد ایرانی منطقه‌ای
	افزایش حضور نظامی در مناطق راهبردی و حمله به گروه‌های هم‌سو با ایران
سازوکار اسنپ‌بک	فشار به تروئیکای اروپایی و فعال کردن چشم‌پوشی از فعال شدن
گزینه‌های سیاسی اقدام	بی‌عملی یا عدم اولویت‌دادن به مسائل داخلی ایران
	بی‌ثبات‌سازی داخلی ایران
خواسته‌های امنیتی رژیم صهیونیستی	هم‌سویی کامل با رژیم صهیونیستی
	نادیده گرفتن برخی خواسته‌ها
تیم امنیتی ضد ایرانی	تأثیرگذاری بیشتر جنگ‌طلبان
	تأثیرگذاری بیشتر مصالحه‌جویان
سرنوشت مذاکرات	بن‌بست و شکست
	به نتیجه رسیدن

۳-۵. ترکیب پیشران‌های کلیدی و عدم قطعیت‌های کلیدی

سناریوها از ترکیب عدم قطعیت‌های کلیدی ساخته می‌شوند. براینکه این ترکیب، شکل‌دهی به چهارچوب اولیه سناریوهای پژوهش است. در این بخش به منظور شکل‌گیری چهارچوب اولیه سناریوهای پژوهش، عدم قطعیت‌های کلیدی مطابق جدول ۴ ترکیب شدند. از ترکیب ۷ پیشران کلیدی و ۱۴ عدم قطعیت کلیدی آن‌ها ۲۷ و در مجموع ۱۲۸ حالت و یا به عبارتی سناریوی ممکن شکل گرفت. به دلیل حجم زیاد و گستردگی آن‌ها، تنها به نمایش ۵ سناریوی ممکن اکتفا کردیم.

جدول ۴. ترکیب پیشران‌های کلیدی و عدم قطعیت‌های کلیدی

سناریو	مقابله با برنامه اتمی	مهار نفوذ منطقه‌ای	ساز و کار اسنپ بک	گزینه‌های سیاسی اقدام	خواسته‌های امنیتی رژیم صهیونیستی	تیم امنیتی ضد ایرانی	سرنوشت مذاکرات
۱	حمله نظامی	تقویت ائتلاف‌ها	فشار به ترویکا	بی‌عملی	هم‌سویی کامل	جنگ‌طلبان	بن‌بست
۲	حمله نظامی	تقویت ائتلاف‌ها	فشار به ترویکا	بی‌عملی	هم‌سویی کامل	جنگ‌طلبان	به نتیجه
۳	حمله نظامی	تقویت ائتلاف‌ها	فشار به ترویکا	بی‌عملی	هم‌سویی کامل	مصلحه‌جویان	بن‌بست
۴	حمله نظامی	تقویت ائتلاف‌ها	فشار به ترویکا	بی‌عملی	هم‌سویی کامل	مصلحه‌جویان	به نتیجه
۵	حمله نظامی	تقویت ائتلاف‌ها	فشار به ترویکا	بی‌عملی	نادیده گرفتن	جنگ‌طلبان	بن‌بست

۳-۵-۱. بررسی نتایج

منطقی است که بررسی و تشریح ۱۲۸ سناریوی ممکن، گرچه نه غیرممکن اما خود باعث پیچیدگی و ابهام بیشتر پیرامون موضوع پژوهش می‌شود. این با رسالت آینده‌پژوهی و سناریونویسی در تعارض است. همچنین تعداد زیادی از سناریوها نیز منطق درونی آن‌ها دارای ناسازگاری بود. از مجموع ۱۲۸ سناریوی ممکن، تعداد ۱۰۲ سناریو منطق درونی آن‌ها دارای ناسازگاری بود. برای مثال اینکه ترامپ در ارتباط با مهار برنامه اتمی ایران سیاست حمله نظامی را در پیش گیرد و از آن‌سو مذاکرات

جاری میان دو کشور به نتیجه برسد، غیرمنطقی و دور از ذهن است. ۲۶ سناریوی ممکن نیز دارای سازگاری درونی بودند.

جدول ۵: ۲۶ سناریوهای ممکن پژوهش

سناریو	مقابله با برنامه اتمی	مهار نفوذ منطقه‌ای	سازوکار اسنپ یک	گزینه‌های سیاسی اقدام	خواسته‌های امنیتی رژیم صهیونیستی	تیم امنیتی ضد ایرانی	سرنوشت مذاکرات
۱	حمله نظامی	تقویت ائتلاف‌ها	فشار به ترویکا	بی عملی	هم‌سویی کامل	جنگ طلبان	بن بست
۳	حمله نظامی	تقویت ائتلاف‌ها	فشار به ترویکا	بی عملی	هم‌سویی کامل	مصلحه‌جویان	بن بست
۹	حمله نظامی	تقویت ائتلاف‌ها	فشار به ترویکا	بی ثبات‌سازی داخلی ایران	هم‌سویی کامل	جنگ طلبان	بن بست
۱۱	حمله نظامی	تقویت ائتلاف‌ها	فشار به ترویکا	بی ثبات‌سازی داخلی ایران	هم‌سویی کامل	مصلحه‌جویان	بن بست
۱۷	حمله نظامی	تقویت ائتلاف‌ها	چشم‌پوشی از فعال شدن	بی عملی	هم‌سویی کامل	جنگ طلبان	بن بست
۱۹	حمله نظامی	تقویت ائتلاف‌ها	چشم‌پوشی از فعال شدن	بی عملی	هم‌سویی کامل	مصلحه‌جویان	بن بست
۲۵	حمله نظامی	تقویت ائتلاف‌ها	چشم‌پوشی از فعال شدن	بی ثبات‌سازی داخلی ایران	هم‌سویی کامل	جنگ طلبان	بن بست

[illegible]

سناریو	۵۹	۸۶	۸۸	۹۵	۹۶	۱۰۴	۱۱۲	۱۱۹
مقابله با برنامه اتمی	حمله نظامی	معامله	معامله	معامله	معامله	معامله	معامله	معامله
مهار نفوذ منطقه‌ای	افزایش حضور نظامی	تقویت ائتلاف‌ها	تقویت ائتلاف‌ها	تقویت ائتلاف‌ها	تقویت ائتلاف‌ها	افزایش حضور نظامی	افزایش حضور نظامی	افزایش حضور نظامی
سازوکار استپ بک	چشم‌پوشی از فعال شدن	چشم‌پوشی از فعال شدن	چشم‌پوشی از فعال شدن	چشم‌پوشی از فعال شدن	چشم‌پوشی از فعال شدن	فشار به تروئیکا	فشار به تروئیکا	چشم‌پوشی از فعال شدن
گزینه‌های سیاسی اقدام	بی‌ثبات‌سازی داخلی ایران	بی‌عملی	بی‌عملی	بی‌ثبات‌سازی داخلی ایران	بی‌ثبات‌سازی داخلی ایران	بی‌عملی	بی‌ثبات‌سازی داخلی ایران	بی‌عملی
خواسته‌های امنیتی رژیم صهیونیستی	هم‌سوئی کامل	نادیده گرفتن	نادیده گرفتن	نادیده گرفتن	نادیده گرفتن	نادیده گرفتن	نادیده گرفتن	نادیده گرفتن
تیم امنیتی ضد ایرانی	مصاحبه‌جویان	جنگ‌طلبان	مصاحبه‌جویان	مصاحبه‌جویان	مصاحبه‌جویان	مصاحبه‌جویان	مصاحبه‌جویان	مصاحبه‌جویان
سر نوشت مذاکرات	بن‌بست	به نتیجه	به نتیجه	بن‌بست	به نتیجه	به نتیجه	به نتیجه	بن‌بست

سناریو	مقایسه با برنامه اتمی	مهارت‌های منطقه‌ای	سازوکار اسنپ بک	گزینه‌های سیاسی اقدام	خواسته‌های امنیتی رژیم صهیونیستی	تیم امنیتی ضد ایرانی	سرنوشت مذاکرات
۱۲۰	معامله	افزایش حضور نظامی	چشم‌پوشی از فعال شدن	بی‌عملی	نادیده گرفتن	مصالحه‌جویان	به نتیجه
۱۲۷	معامله	افزایش حضور نظامی	چشم‌پوشی از فعال شدن	بی‌ثبات‌سازی داخلی ایران	نادیده گرفتن	مصالحه‌جویان	بن‌بست
۱۲۸	معامله	افزایش حضور نظامی	چشم‌پوشی از فعال شدن	بی‌ثبات‌سازی داخلی ایران	نادیده گرفتن	مصالحه‌جویان	به نتیجه

تشریح این ۲۶ سناریوی ممکن و تدوین داستان هر کدام از آن‌ها به دلیل گستردگی، خارج از توان این پژوهش است. با بررسی چینش و ترکیب این ۲۶ سناریوی ممکن، سناریو شماره ۴۱ و ۸۸ منطقی‌ترین ترکیب ممکن را دارند. انتخاب این دو ترکیب بر اساس سیاست اعلامی ترامپ در ارتباط با برنامه اتمی ایران است. گرچه ترامپ شخصیتی غیرقابل پیش‌بینی دارد؛ اما او بارها اعلام کرده که ایران باید میان «توافق» و یا «بمباران» یکی را انتخاب کند. عدم تحقق وعده‌های کلیدی انتخاباتی از جمله برقراری آتش‌بس در دو نقطه ژئوپلیتیکی حساس یعنی غزه و اوکراین، جایگاه دولت فعلی آمریکا را در بازی چندسطحی قدرت تضعیف کرده و ریسک کاهش محبوبیت را افزایش داده است (Davenport, 2025). از این منظر، دستیابی به توافقی حتی محدود با ایران، یا حتی مدیریت هدفمند بحران ناشی از برنامه هسته‌ای آن هرچند با اقدام نظامی محدود و حساب شده، می‌تواند به‌عنوان یک امتیاز ژئوپلیتیکی برجسته در کارنامه سیاست خارجی ترامپ ثبت شود؛ چرا که او از این طریق پیام روشنی مبنی بر توانمندی در مهار تهدیدات و مدیریت رقبای آمریکا مخابره خواهد کرد (Telhami, 2025).

۳-۵-۲. نام‌گذاری و تدوین داستان سناریوها

سناریو ۴۱

نام سناریو: «بازی مجموع صفر: بازگشت به قمار بازدارندگی»^۱
شرح کلی: در این سناریو، مذاکرات در جریان میان آمریکا و ایران به بن‌بست و سرانجام به شکست منتهی شده است. در ادامه ایالات متحده به رهبری ترامپ و هم‌سو با متحدانش بر این باورند که باید تمام ظرفیت‌های ایران برای توسعه نفوذ منطقه‌ای و پیشرفت هسته‌ای را متوقف کنند. از نگاه آن‌ها، یا ایران تسلیم می‌شود بدون مصالحه یا باید به عقب رانده شود.

داستان سناریو

سکانس ۱: اعلام شکست مذاکرات

بعد از چند دور مذاکره با وجود تلاش‌های عمان و سایر طرف‌های میانجی‌گره و بن‌بست حاکم بر مذاکرات که از دور پنجم مطرح شده بود باز نمی‌شود. ویتکاف و عراقچی ناامیدانه به تهران و واشینگتن برمی‌گردند. کرولاین لیویت در یک اعلام رسمی شکست مذاکرات را اعلام می‌کند. ترامپ در یک توئیت در «تروث سوشال» اعلام می‌کند که آن‌ها توافق را پس‌زدند و مسیر بدتر (بمباران) را انتخاب کردند.

سکانس ۲: هم‌سویی فرا‌آتلانتیکی

با اعمال فشار ترامپ و همراهی تروئیکای اروپایی فعال شدن مکانیسم ماشه علیه ایران کلید می‌خورد. در جولای ۲۰۲۵ سران سه کشور اروپایی طی یک بیانیه فرایند آغاز مکانیسم ماشه را اعلام می‌کنند. در نهایت با تلاش تروئیکای اروپایی عدم پابندی ایران اعلام و مکانیسم ماشه فعال می‌شود. همه تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران بازمی‌گردد. بازارهای مالی ایران در اولین واکنش دچار شوک شدید می‌شوند.

سکانس ۳: شروع مارپیچ تنش

ایران در مقام تلافی خروج رسمی خود را از معاهده «NPT» اعلام می‌کند. ترامپ نیز اعلام می‌کند که ایران باید منتظر پاسخی قاطع باشد، جهان نمی‌تواند ایران اتمی را بپذیرد. ناوهای آمریکایی، جنگنده‌های F22 و F35، بمب‌افکن‌های B52 به سمت خاورمیانه گسیل شده‌اند. همه‌جا صحبت از عملیات مشترک رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه تأسیسات اتمی ایران است. بنیامین نتانیاهو برای هماهنگی اقدامات

1. Zero-Sum Game: The Return to Deterrence Gamble

پیش‌رو با ترامپ در تماس است. سپاه و ارتش در حال انجام بزرگ‌ترین رزمایش نظامی ایران هستند. رسانه‌های خبری از قریب‌الوقوع بودن حمله آمریکا خبر می‌دهند. دبیر کل سازمان ملل و سایر مقامات دو طرف را به خویشتن‌داری دعوت می‌کنند.

سکانس ۴: انفجار در سحرگاه

مکان: سایت نطنز و سایر تأسیسات اتمی ایران

زمان: بامداد یک روز عادی

۴:۳۰ صبح همه‌چیز در سایه ابرهای سیاه طوفان در منطقه به‌ظاهر آرام است. در نطنز و سایر تأسیسات اتمی ایران تکنسین‌ها در حال بررسی چرخه‌های جدید غنی‌سازی هستند؛ اما ناگهان در یک حمله هماهنگ صدای انفجار، آسمان را می‌شکافد. گرد و غبار بلند می‌شود و برق کل مجتمع نطنز و فوردو می‌رود.

در کاخ سفید، ترامپ در اتاق وضعیت نشسته، ژنرال‌ها و تحلیل‌گران دورش حلقه زده‌اند. ترامپ اعلام می‌کند: «انجام شد. دقیق و محدود بود. ایران داشت به نقطه غیرقابل بازگشت نزدیک می‌شد».

اما در تهران واکنش تندتر است. تیترو روزنامه‌ها: «خط قرمزها شکسته شد». اسماعیل بقایی نقض حاکمیت ایران را به شدیدترین شکل ممکن محکوم و بر حق قانونی ایران به پاسخی درخور تأکید می‌کند. نماینده ایران در سازمان ملل نیز روایت مشابهی را اعلام می‌کند. سپاه با اعلام اینکه خسارتی جدی به بار نیامده و چرخه غنی‌سازی در حال انجام است؛ وعده پاسخی قاطع و ویرانگر را می‌دهد. افکار عمومی ملتهب است. حتی آن‌هایی که اهل مصالحه بودند، حالا از انتقام حرف می‌زنند. بازی، رسماً وارد فاز بی‌بازگشت می‌شود.

سکانس ۵: ترور خاموش

مکان: تهران

خبری بزرگ همانند یک بمب منفجر می‌شود. سردار امیرعلی حاجی‌زاده هدف ترور قرار گرفت. در ادامه یک دانشمند ارشد هسته‌ای ایران نیز با انفجار یک دستگاه از راه دور شهید می‌شود. گمانه‌زنی‌ها به رژیم صهیونیستی اشاره دارد. ایران اعلام می‌کند فعالیت‌های هسته‌ای را در واکنش تسریع خواهد کرد. سطح غنی‌سازی به ۹۰ درصد می‌رسد.

سکانس ۶: حمله سایبری

طی یک حمله سایبری جایگاه‌های سوخت ایران از مدار خارج شده و خیابان‌ها صحنه صفوف طولانی مردم برای دریافت سوخت است. برخی پالایشگاه‌ها و شرکت‌های نفتی بزرگ نیز هدف حمله سایبری قرار گرفته‌اند. طوفان حوادث یکی پس از دیگری در حال وزیدن هستند.

سکانس ۷: پروژه شبیح سیاه

ترامپ در جلسه‌ای مخفی در «مارالاگو»، دستور اجرای «پروژه شبیح» را صادر می‌کند. ترکیبی از جنگ روانی، حمایت مالی از گروه‌های مخالف، تحریک اعتراضات و نفوذ به فضای مجازی ایران برای شعله‌ور ساختن بحران اجتماعی.

یکی از افسران ارشد سیا مسئول اجرای عملیات می‌شود و به همراه یک تیم چندملیتی وارد دوبی می‌شود. آن‌ها با استفاده از داده‌های کلان شبکه‌های اجتماعی، نقاط بحرانی ایران را شناسایی می‌کند: شهرهایی با تورم بالا، کم‌آبی، بیکاری جوانان، شکاف قومی و غیره.

هم‌زمان با قطع موقت برق در چند شهر، یک پیام ویدیویی جعلی از «اعتراضات سرکوب‌شده» در فضای مجازی دست به دست می‌شود. نارضایتی‌ها فوران می‌کنند. دوباره موجی بی‌سازمان، اما بسیار خشمگین در خیابان‌ها به راه می‌افتد. گروه‌های معترض بدون هدف مشترک، به جان هم می‌افتند. کارگران، دانشجویان، اقلیت‌های قومی و مذهبی و حتی بازاری‌ها، هر کدام خواسته‌ای متفاوت دارند. سیا به تیمی از فعالان رسانه‌ای ایرانی در خارج مأموریت می‌دهد تا محتوای خاصی را پخش کنند که بحران را تقویت می‌کند: جعل ویدیوهای سرکوب، انتشار پیام‌های اغراق‌شده درباره فروپاشی دولت، تشویق به نافرمانی مدنی سراسری. به تحریک و فشار آمریکا رسانه‌های بین‌المللی آشوب و اغتشاش جدید را «انقلاب نوین» می‌نامند.

سناریو ۸۸

نام سناریو: «بازی چندسطحی: فریب با لبخند»^۱

شرح کلی: در این سناریو، ترامپ تا حد ممکن سعی دارد مسیر دیپلماسی را باز نگه دارد. اما هم‌زمان با ابزارهای پنهان، فشارهای چندلایه‌ای را به کار می‌گیرد. مذاکره به‌عنوان پوشش یک راهبرد فشار زیرپوستی عمل می‌کند.

سکانس ۱: مذاکرات کنترل‌شده

رئیس تیم مذاکره‌کننده ایران با پرونده‌ای ضخیم وارد اتاق جلسه می‌شود. در آن‌سو، آمریکایی‌ها با لبخند از در دیگری وارد ساختمان می‌شوند. گفت‌وگوها بنا به اعلام چندباره ایران غیرمستقیم است. یک تفاوت کلیدی وجود دارد. این‌بار، مذاکره برای «حل بحران» نیست، بلکه برای «مدیریت آن» است. ویتکاف اعلام می‌کند ما در مورد بندهای خاص توافق حرف می‌زنیم. تحریم‌ها پابرجاست ولی فضای امیدواری مصنوعی ایجاد می‌شود تا قیمت ارز در ایران کنترل شود و جامعه مدنی دچار یأس مطلق نشود.

سکانس ۲: سایه‌ها می‌جنگند

مکان: دریای سرخ، یمن، سرزمین‌های اشغالی، جنوب لبنان و عراق
بازی نیابتی شدت گرفته و رژیم صهیونیستی پشت حملات است؛ اما پوشش عملیاتی را ائتلاف عربی می‌دهد. آمریکا نقش رهبر ساکت را دارد؛ اما در سایه. در عراق انبار مهمات نیروهای مقاومت توسط پهپاد ناشناس هدف قرار می‌گیرد. رژیم صهیونیستی حملاتی را علیه حزب‌الله در جنوب لبنان آغاز کرده است. انصارالله همچنان در حال موشک‌باران سرزمین‌های اشغالی است. جنگنده‌های رژیم صهیونیستی بار دیگر یمن را مورد حمله قرار داده‌اند.

سکانس ۳: فشار بی‌سروصدا

مکان: واشینگتن

یک سند «افک»^۱ منتشر می‌شود: تحریم ۴۰ شرکت ایرانی در حوزه کشتی‌رانی، پتروشیمی و صادرات فلزات. گروه دیگری از شرکت‌های خریدار نفت ایران در چین آماج تحریم‌ها قرار می‌گیرند. چند کشتی از «ناوگان ارواح» نیز تحریم می‌شوند. در ظاهر، هیچ اقدام تند دیپلماتیکی انجام نشده است. اما فشار اقتصادی در حال فشردن هرچه بیشتر گلوگاه‌های درآمدی ایران است.

سکانس ۴: اغتشاش نرم و به ظاهر بی‌تفاوتی ترامپ

مکان: تهران و سایر شهرهای بزرگ/ فضای مجازی

صفحات جعلی در توئیتر، اینستاگرام و تلگرام فعال شده‌اند. فایل صوتی مقام‌ها منتشر می‌شود. افشاگری‌ها و گمانه‌زنی‌های بی‌پایه با هدف «بی‌اعتبار کردن حاکمیت» گسترش می‌یابد. اعتراضات پراکنده در شهرهای مختلف بالا می‌گیرد. آمریکا در

1. Office of Foreign Assets Control (OFAC)

بیانیه‌ای می‌گوید: «ما نگران وضعیت حقوق بشر در ایران هستیم». ترامپ ضمن حمایت از معترضین با این وجود اعلام می‌کند که آن‌ها باید خود برای آینده تصمیم بگیرند و این موضوعی داخلی است و به آمریکا ربطی ندارد.

سکانس ۵: لبخند تاکتیکی

مکان: ترامپ در دیدار با نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در کاخ سفید بخشی از خواسته‌های تل‌آویو (مثل حمله مستقیم به ایران یا تحریم شورای امنیتی) رد می‌شود. ولی حمایت کامل از امنیت رژیم صهیونیستی اعلام می‌شود. این نوع «توازن تاکتیکی» باعث می‌شود فضای مذاکره باقی بماند ولی فشار حفظ شود.

سکانس ۶: توافق موقت / «آتش‌بس در سایه»

با وجود گره‌های به ظاهر باز نشدنی با تلاش‌ها و ابتکارات عمان طرفین میز را ترک نمی‌کنند. پس از چند دور گفت‌وگوی بی‌نتیجه، عمانی‌ها طرحی برای توافق موقت ۹۰ روزه پیشنهاد می‌کنند که شامل تعلیق غنی‌سازی بالای ۶۰ درصد، تبادل محدود منابع مالی و کاهش تنش منطقه‌ای است. ایران با شرط راستی‌آزمایی و زمان‌بندی مشخص موافقت می‌کند، درحالی‌که آمریکا نیز از تحریم‌های جدید صرف نظر کرده و برخی دارایی‌ها را آزاد می‌کند. این توافق نه رسمی است و نه علنی؛ اما گامی کلیدی در مهار بحران و آزمودن نیت‌ها تلقی می‌شود. نشانه‌ها یکی پس از دیگری ظاهر می‌شوند. قیمت دلار در بازار تهران کاهش می‌یابد. پهپادها و جنگنده‌های رژیم صهیونیستی دیگر به جنوب لبنان و غزه حمله نمی‌کنند. در دریای سرخ نیز آرامش برقرار شده است و انصارالله موشکی به سرزمین‌های اشغالی شلیک نمی‌کند. ناوهای آمریکایی، جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌های B52 از خلیج فارس خارج می‌شوند. آمریکا اجازه انتقال بخشی از منابع مسدود شده ایران را می‌دهد. در پایان دوره ۹۰ روزه، گزارشی محرمانه در کنگره آمریکا پخش می‌شود. ایران از توافق اولیه پیروی کرده؛ اما ساختارهای منطقه‌ای هنوز خطرآفرین هستند. طرف ایرانی هم در مجمع تشخیص و مجلس مطرح می‌کند که منافع اقتصادی ملموس دیده شده اما تضمینی برای تداوم نیست. دو طرف در ادامه توافق می‌کنند وارد فاز دوم مذاکرات شوند.

۳-۶. ارزیابی تأثیر سناریوها

این گام مختص ارزیابی تأثیر سناریوهای تدوین شده است. به این معنا که اگر احتمالات مختلف رخ دهد چه اتفاقی می‌افتد؟ (Schwartz, 1991, p. 13). بر پایه این

منطق در این گام پیامدهای دو سناریوی تدوین شده شناسایی می‌شوند.

جدول ۶: پیامدهای هر کدام از سناریوها

بازی مجموع صفر: بازگشت به قمار بازدارندگی		
پیامدهای اصلی	رویداد کلیدی	سکانس
بی‌اعتمادی کامل، فروپاشی دیپلماسی، موضع‌گیری تهاجمی ترامپ، افزایش احتمال درگیری نظامی.	اعلام رسمی شکست مذاکرات ایران و آمریکا	شکست مذاکرات
شوک اقتصادی شدید، سقوط بازارها، تلاش برای انزوای بیشتر ایران، یکپارچه شدن جبهه غرب علیه ایران، تضعیف تجارت خارجی.	فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت	فراآلاتی هم‌سوئی
ورود به فضای شبه‌جنگ، تهدید به اقدام نظامی، تحریک افکار عمومی، افزایش آمادگی دفاعی ایران، ناتوانی سازمان‌های بین‌المللی در کاهش تنش.	خروج ایران از NPT و آرایش نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی	مارپیچ تنش
نقض حاکمیت ملی وحدت داخلی علیه تهدید خارجی، از بین رفتن احتمال مذاکره و آغاز فاز انتقام ایران.	بمباران سایت‌های هسته‌ای نطنز و فوردو توسط آمریکا - رژیم صهیونیستی	حمله نظامی محدود
افزایش سرعت غنی‌سازی، تقویت ذهنیت جنگی، بازتولید فرهنگ مقاومت و ایثار در افکار عمومی، فشار افکار عمومی برای واکنش متقابل.	ترور فرماندهان سپاه و دانشمندان هسته‌ای	ترور خاموش
گسترش بی‌ثباتی داخلی، تضعیف سرمایه اجتماعی، چنددستگی و هرج‌ومرج سیاسی	جنگ روانی، تحریک اجتماعی و عملیات سایبری علیه ایران	پروژه شیخ سپاه

بازی چندسطحی: فریب با لبخند		
پیامدهای اصلی	رویداد کلیدی	سکانس
ایجاد امید کاذب در بازار، ثبات موقت اقتصادی، حفظ کانال گفت‌وگو بدون پیشرفت واقعی، مدیریت افکار عمومی داخلی و جلوگیری از یأس کامل جامعه.	مذاکرات غیرمستقیم با هدف مدیریت بحران و حفظ ظاهر دیپلماسی	مذاکرات کنترل‌شده
بی‌ثباتی منطقه‌ای، افزایش تنش با محور مقاومت، احتمال درگیری غیرمستقیم ایران و آمریکا، هزینه‌سازی نظامی برای ایران، گسترش نفوذ رژیم صهیونیستی با پوشش عربی.	تشدید جنگ نیابتی در منطقه با نقش پنهان آمریکا	سایه‌ها می‌جنگند
فشار اقتصادی فزاینده بدون تنش دیپلماتیک آشکار، کاهش درآمدهای نفتی و ارزی ایران، دشواری در دور زدن تحریم‌ها، ایجاد نارضایتی اقتصادی تدریجی در داخل.	تحریم هوشمند شرکت‌ها و شرکای اقتصادی ایران در سکوت رسانه‌ای	فشار بی‌سروصدا
تضعیف انسجام اجتماعی، گسترش بی‌اعتمادی به حاکمیت، افزایش هزینه‌های امنیتی، فضای شبه‌بحران سیاسی، آسیب به سرمایه اجتماعی، فقدان رهبری منسجم در اعتراضات.	جنگ اطلاعاتی و تحریک اعتراضات داخلی از طریق فضای مجازی	اغتشاش نرم
موازنه‌سازی در سیاست خارجی آمریکا، دلگرم‌سازی متحدان منطقه‌ای، حفظ فضای مذاکره با ایران، ارسال پیام دوگانه به تهران (لبخند و تهدید هم‌زمان).	حفظ حمایت از رژیم صهیونیستی بدون ورود به درگیری مستقیم یا تحریم جدید	لبخند تاکتیکی
کاهش موقت تنش‌ها، بازگشت ارز به بازار ایران، فراهم شدن بستر مذاکرات مرحله بعد؛ اما تداوم تردید درباره پایداری آن.	توافق غیررسمی ۹۰ روزه برای کاهش تنش‌ها و اقدامات محدود اقتصادی	توافق موقت - آتش‌بس در سایه

۳-۷. انتخاب شاخص‌ها و علائم راهنما

در گام آخر شاخص‌های هشدار دهنده هر کدام از سناریوها باید شناسایی شوند. این شاخص‌ها می‌توانند در صورت اجرا شدن هر کدام از سناریوها به ما هشدار لازم را دهند. همچنین به کمک آن‌ها می‌توان فهمید که احتمال وقوع کدام یک از سناریوها بیشتر از سایرین است (Schwartz, 1991, p. 14; Caldwell, 2009, p. 27).

جدول ۷: شاخص‌ها و علائم راهنمای سناریوها

بازی مجموع صفر: بازگشت به قمار بازدارندگی		
شاخص‌های مکمل برای راستی‌آزمایی	سطح هشدار	نشانه
موضع‌گیری کاخ سفید، تروئیکای اروپا، پست‌ها و مواضع صریح ترامپ یا تیم امنیتی‌اش	بالا	شکست رسمی مذاکرات
صدور بیانیه شورای امنیت-تروئیکا، اعلام بازگشت قطعنامه‌های قبلی سازمان ملل	بالا	فعال‌سازی مکانیسم ماشه
رصد تحرکات و آرایش نظامی آمریکا در منطقه و تحلیل‌های مراکز مطالعات نظامی	بالا	تجمع گسترده نیروهای آمریکایی در خلیج فارس
بیانیه رسمی وزارت امور خارجه، بازتاب شدید در رسانه‌های جهانی (رویترز، بی.بی.سی، آسوشیتدپرس و ...)	خیلی بالا	خروج ایران از ان.بی.تی
تأیید ضمنی رسانه‌های آمریکایی-رژیم صهیونیستی (سی.ان.ان و هاآرتس)، اختلال در برق سایت‌های کلیدی، تصاویری از انفجار	خیلی بالا	حمله نظامی به سایت‌های هسته‌ای ایران
واکنش شدید سپاه، اعلام شهادت افراد کلیدی، گمانه‌زنی رسانه‌ای با اشاره به موساد یا سیا	بالا	ترور چهره‌های کلیدی هسته‌ای یا نظامی
گزارش آژانس انرژی اتمی، بیانیه‌های فوری ایران مبنی بر سرعت دادن به برنامه هسته‌ای	بالا	افزایش غنی‌سازی به ۹۰ درصد
ویدیوهای وایرال، کمپین‌های جعلی، تغییرات ناگهانی‌ترند توئیتر فارسی و کانال‌های تلگرامی مشکوک.	متوسط	ناآرامی‌های سنگین همراه با موج عملیات روانی خارجی
بازی چندسطحی: فریب با لبخند		
شاخص‌های مکمل برای راستی‌آزمایی	سطح هشدار	نشانه
رفت‌وآمد دیپلمات‌های عمانی، پوشش خبری آرام اما مداوم از مذاکرات غیرمستقیم	کم	ادامه مذاکرات با میانجیگری عمان

شاخص‌های مکمل برای راستی‌آزمایی	سطح هشدار	نشانه
وب‌سایت افک، تحلیل رسانه‌هایی مانند «المانیتور» و «پولیتیکو»، فهرست تحریمی بدون اعلام رسمی پررنگ	متوسط	تحریم‌های هدفمند و کم سروصدا
حملات کنترل‌شده در سوریه، یمن، عراق بدون مسئولیت رسمی آمریکا، افزایش حملات دقیق رژیم صهیونیستی با تأیید ضمنی	متوسط	بازی نیابتی محدود در منطقه
انتشار فایل‌های صوتی و تصویری مشکوک، رشد اکانت‌های جعلی، فعالیت ربات‌ها روی ترندهای ضد حاکمیتی	متوسط	تحركات فضای مجازی با هدف بی‌اعتمادسازی
اظهارات دیپلماتیک محافظه‌کارانه در رسانه‌ها، تأکید بر مسائل داخلی ایران	کم	مواضع دوگانه ترامپ (حمایت لفظی از مردم اما بدون دخالت مستقیم)
رصد ناوگان دریایی، توقف حملات در لبنان/غزه، بیانیه‌های محتاطانه از مقامات آمریکایی و رژیم صهیونیستی	کم	آرامش نسبی در منطقه و عقب‌نشینی موقت آمریکا از خلیج فارس
بیانیه غیررسمی از عمان یا منابع دیپلماتیک، نقل قول از مقامات ایرانی درباره تعلیق محدود فعالیت‌ها	متوسط	گزارش‌هایی از توافق موقت یا کاهش سطح غنی‌سازی
افت ناگهانی و بدون پشتوانه اقتصادی مشخص، آرامش روانی بازار با انتشار شایعه توافق	کم	کاهش نرخ ارز و طلا در بازار ایران

نتیجه‌گیری

در متن تحولات فزاینده ژئوپلیتیکی خاورمیانه و پس از شوک راهبردی حمله حماس به رژیم صهیونیستی، بازگشت دونالد ترامپ به ساختار قدرت در ایالات متحده، معادلات منطقه‌ای را وارد مرحله‌ای تازه کرده است. بازگشتی که نوعی «بازی تکراری با حافظه تاریخی» محسوب می‌شود؛ چرا که تجربه کارزار فشار حداکثری و خروج از برجام در دور نخست ریاست‌جمهوری ترامپ، همچنان متغیری مؤثر در ذهن تصمیم‌سازان ایرانی و منطقه‌ای است. اکنون بازیگر اصلی به میدان بازگشته، اما زمین بازی دگرگون شده است.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از تکنیک جی.بی.ان، میدان بازی آینده را از منظر کنش متقابل هفت پیشران ژئوپلیتیکی و چهارده عدم قطعیت راهبردی مدل‌سازی

کرد. دو سناریوی بازی مجموع صفر؛ بازگشت به قمار بازدارندگی و بازی چندسطحی؛ فریب با لبخند در نهایت مبنای سناریونویسی قرار گرفتند. در تجزیه و تحلیل سناریوها، سناریوی بازی چندسطحی به عنوان نقطه «تعالُد نَش»^۱ بازی تحلیل شد؛ زیرا هر چند گزینه حمله نظامی در میدان گزینه‌ها باقی است؛ اما هزینه‌های فزاینده برای هر دو بازیگر اصلی، مسیر عقلانی را به سوی بازی غیر صفر و سازش هدایت می‌کند. البته نقش رژیم صهیونیستی به مثابه بازیگر ثالث و مختل کننده تعادل، ممکن است با تزریق اطلاعات نادرست، محاسبات ترامپ را از مسیر توازن خارج ساخته و به استراتژی پرریسک‌تر یعنی بازی مجموع صفر سوق دهد.



1. Nash equilibrium

References

- Andersson, G. (1973). Methods in futures studies: A view from the theory of science. *Technological Forecasting and Social Change*, 5(3).
- Aishah, N. H. (2020). The power of AIPAC (American-Israel Public Affairs Committee) and U.S.-Israel special relationship: Future of the Palestinian state in the Middle East. Partridge Publishing Singapore.
- Axios. (2025, April 16). Trump team's Iran divide: Dialogue vs. detonation to end nuclear threat. Retrieved from <https://www.axios.com/2025/04/16/trump-iran-nuclear-policy-vance-rubio>
- Azizi, A. (2020). *The Shadow Commander: Soleimani, the US, and Iran's global ambitions*. Oneworld Publications.
- Bandow, D. (2025). Donald Trump's dream: Taking over Panama, Canada and Greenland is nonsense. CATO Institute.
- Bell, W. (1996). The sociology of the future and the future of sociology. *Sociological Perspectives*, 39(1), 39-57.
- Bell, W. (2003). *Foundations of futures studies Volume 1: History, purposes, and knowledge*. Routledge.
- Bishop, P. C., & Hines, A. (2007). *Thinking about the future: Guidelines for strategic foresight*. Social Technologies.
- Bishop, P. C., & Hines, A. (2012). *Teaching about the future*. Palgrave Macmillan.
- Bryman, D. (2024). 5 questions about the cease-fire between Israel and Hezbollah. *Foreign Policy*.
- Chermack, T. J. (2011). *Scenario planning in organizations: How to create, use, and assess scenarios*. Berrett-Koehler Publishers.
- Chetcuti, L. (2024). Trump's inner circle: Insights into his second term. *Institut Montaigne*.
- Chivvis, C. S., et al. (2024). *Strategic change in U.S. foreign policy*. Carnegie.
- Cohen, R. S. (2024). *Israel-Hamas war: Insights from RAND Corporation*.
- Congressional Research Service, & Katzman, K. (2020). *Iran sanctions*. Independently published.
- Cotta-Ramusino, P., et al. (2022). Nuclear risks and arms control - problems and progresses in the time of pandemics and war. Springer.
- Douville, A. J. (2009). Beyond the water's edge: The role of ex-presidents in U.S. foreign policy. *Georgetown Journal of International Affairs*, 10(1), 55-62.
- Dyson, S. B. (2009). *The Blair identity: Leadership and foreign policy*. Princeton University Press.
- Davenport, Kelsey. (2025). Trump Touts Progress on Iran Nuclear Deal, Arms Control Association, Retrieved from: <https://www.armscontrol.org/act/2025-06/news/trump-touts-progress-iran-nuclear-deal>
- Fortunato, L., Sarmiento, A., & Radaelli, C. M. (2018). The psychology of authoritarian leaders. *Political Psychology*, 39(1).

- Gidley, J. (2017). *The future: A very short introduction* (Very Short Introductions). Oxford University Press.
- Gilbert, B. E., & Moen, L. J. K. (2024). The personality of a personality cult? Personality characteristics of Donald Trump's most loyal supporters. *Political Psychology*, 1-19.
- Glenn, J. C., & Gordon, T. J. (2003). *Futures research methodology* (v2.0). American Council for the UNU.
- Hamzawy, A. (2024). The Middle East's new war of attrition. *Carnegie*.
- Heike, Paul. (2019). *Critical terms in futures studies*. Palgrave Macmillan.
- Herrmann, R. K. (2003). Perceptions and image theory in international relations. *Journal of Political Psychology*, 24(4).
- Hester, R. (2021). *Historical research: Theory and methods*. Ed-Tech Press.
- Hiltunen, E. (2008). The future sign and its three dimensions. *Futures*, 40(3).
- Immelman, A., & Griebie, A. M. (2020). The personality profile and leadership style of U.S. President Donald J. Trump in office. *Psychology Faculty Press*.
- Inayatullah, S. (2013). *Futures studies: Theories and methods*. BBVA Group Press.
- Javits, J. K. (1970). The congressional presence in foreign relations. *Foreign Affairs*, 48(2), 221-234.
- Kerr, P. K., et al. (2021). Possible U.S. return to Iran nuclear agreement: Frequently asked questions. *Congressional Research Service*.
- Kimball, D. J. (2022). *Trump's Failed Iran Policy*. Arms Control Today.
- Lindgren, M., & Bandhold, H. (2003). *Scenario planning: The link between future and strategy*. Springer.
- Lindsay, J. M. (2023). *Transition 2025: What Will Donald Trump Do About Iran?*. Council on Foreign Relations.
- Martelli, A. (2014). *Models of scenario building and planning: Facing uncertainty and complexity* (Bocconi on Management). Palgrave Macmillan.
- Matsumi, H., & Solove, D. J. (2023). The prediction society: AI and the problems of forecasting the future. *GWU Legal Studies Research Paper No. 2023-58*.
- Masters, J. (2017). *U.S. foreign policy powers: Congress and the president*. Council on Foreign Relations.
- McAdams, D. P. (2021). *The strange case of Donald J. Trump: A psychological reckoning*. Oxford University Press.
- Masoudnia, H., et al. (2021). Analysis of Factors Influencing Trump's Foreign Policy Toward Iran. *Iranian Journal of Political Studies*, Volume 20, Issue 4, pp.219-244.
- Mearsheimer, J. J., & Walt, S. M. (2008). The Israel lobby and U.S. foreign policy. *Farrar, Straus and Giroux*.
- Nazareth, K. (2021). Trump's Policy Toward Iran. *The Journal of International Issues* Vol. 23, No. 2 , pp. 22-35.

- Nai, A., et al. (2019). Donald Trump, populism, and the age of extremes: Comparing the personality traits and campaigning styles of Trump and other leaders worldwide. *Presidential Studies Quarterly*, 49(3), 609–643.
- Omid, A. (2020). Maximum Pressure and Trump's Diplomacy. *Strategic Studies Quarterly*.
- Petersen, J. (1999). Out of the blue: How to anticipate big future surprises (as referenced in Hiltunen, Elina, Was it wild card or just our blindness to gradual change?). *Journal of Futures Studies*, 11(2), 61–74.
- Poli, R. (2024). *Handbook of futures studies*. Edward Elgar Publishing.
- Reisinezhad, A. (2024). Iran's Israel strategy has already changed. *Foreign Policy*.
- Reuters. (2025, May 15). Trump says US close to a nuclear deal with Iran. Retrieved from:
- <https://www.reuters.com/world/trump-says-us-is-getting-very-close-nuclear-deal-with-iran-2025-05-15>
- Robinson, K. (2023). What is the Iran nuclear deal? *Council on Foreign Relations*.
- Rohrbeck, R. (2011). *Corporate foresight: Towards a maturity model for the future orientation of a firm*. Springer.
- Sardar, Z. (2014). *Future: All that matters*. McGraw-Hill Education.
- Schwartz, P. (1991). *Art of the long view*. Doubleday Business.
- Sherman, W. R. (2018). How we got the Iran deal: And why we'll miss it. *Foreign Affairs*, 97(5), 186-197.
- Sims, C. (2019). *Team of vipers: My 500 extraordinary days in the Trump White House*. Thomas Dunne Books.
- Slaughter, R. (1996). *New thinking for a new millennium: The knowledge base of futures studies*. Routledge.
- Slaughter, R., & Hines, A. (2020). *The knowledge base of futures studies*. Association of Professional Futurists.
- Smeltz, D., et al. (2023). How partisan is US foreign policy? US politics, public opinion, and global implications. *Chicago Council on Global Affairs*.
- Telhami, Shibley. (2025). Trump made clear he wants a deal with Iran. Most Americans agree, *Brookings Institution*, Retrieved from: <https://www.brookings.edu/articles/trump-made-clear-he-wants-a-deal-with-iran-most-americans-agree/>
- Winter, D. G. (2010). Political psychology and political leadership. *Annual Review of Psychology*, 61.
- Zanotti, J., & Sharp, J. M. (2024). Israel and Hamas conflict in brief: Overview, U.S. policy, and options for Congress. *Congressional Research Service*.